

تحلیل عوامل اجتماعی و جغرافیایی مؤثر بر پدیده سرقت در شهرستان بندرعباس

تاریخ دریافت: 1396/12/08

تاریخ پذیرش: 1397/05/15

محمدرضا پورغلامی سروندانی،¹ علی اصغر خرم رودی،² یحیی میر شکاران،³ جواد کیانی⁴

از صفحه 1 تا 26

چکیده

زمینه و هدف: ورود مهاجران داخلی و خارجی از یک سو و همچنین توسعه شهر از سوی دیگر، باعث گسترش محله‌های حاشیه‌نشین در شهر بندرعباس شده‌اند. این عوامل باعث گردید تا محلات شهر بندرعباس پایداری خود را از دست بدهند و به محلات مسئله‌دار شهری تبدیل شوند. چنین شرایطی زمینه را برای جرایم مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از جمله سرقت مهیا کرده است.

روش‌شناسی: روش پژوهش به صورت پیمایش، از نوع همبستگی است و از روش کتابخانه‌ای و بازخوانی پرونده‌های وقوع سرقت‌های شایع در سال 94 در شهرستان بندرعباس انجام شده است. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان از بین پرونده‌های سرقت محاسبه گردید که تعداد 351 پرونده‌های سرقت مورد برآورد و محاسبه گردید. برای ارزیابی روایی داده‌ها از فن تحلیل عاملی استفاده شده است.

یافته‌ها: با توجه به مقادیر به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، با سطح معناداری (0/001) و با احتمال صحت 99/9 درصد ارتباط بسیار قوی بین «سرقت در شهرستان بندرعباس» و متغیر مستقل مؤلفه‌های اجتماعی تأثیرگذار وجود دارد. همچنین یافته‌های به دست آمده از آزمون رگرسیون چندگانه، نشان‌دهنده این واقعیت است، تأثیر گروه همسالان، خانواده، فقر و بیکاری، مهاجرت، محله زندگی و تحصیلات» به ترتیب تأثیرگذاری با مقدار بتا (0/45)، (0/31)، (0/20)، (0/16)، (0/15)، (0/13) در سطح عالی با (احتمال صحت 99/9 درصد) بیشترین میزان جرم سرقت را تبیین نمودند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که فقر فرهنگی، نقش اساسی در ایجاد جرم دارد و غالب مجرمان بی‌سواد بوده و در اثر فقدان امکانات رشد فکری، برای پیشرفت و ترقی خود از شیوه‌های دیگر فرهنگی مانند توانمندی‌های جسمی بهره جستند. وجود بیکاری و فقر باعث ایجاد یک رابطه معنادار بین شرایط اقتصادی فرد مرتکب به سرقت شده است. نتایج نشان داد هر چه خاستگاه سارق، آلوده‌تر و جرم‌خیزتر باشد، احتمال انجام سرقت توسط وی بیشتر است.

واژه‌های کلیدی: سرقت، تحصیلات، گروه همسالان، فقر، بیکاری، محله زندگی، مهاجرت.

1 - استادیار گروه جغرافیا دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) rezamrps@yahoo.com

2 - کارشناس ارشد مدیریت و فرماندهی دانشگاه علوم انتظامی امین.

3 - استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین.

4 - مربی دانشگاه علوم انتظامی امین.

سرقت همانند جرایم دیگر، از جهت کمی و کیفی دچار تحول و از لحاظ تنوع، در انواع و اشکال مختلفی رواج یافته است و مکان و زمان نمی‌شناسد و در هر لحظه از شبانه‌روز احتمال وقوع آن هست و این پدیده نه تنها نظام مالی افراد و اشخاص، بلکه به اقتصاد و روان جامعه نیز لطمه‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌نماید (رضایی‌راد و همکاران، 1388: 95). یکی از مسائل و مشکلاتی که امنیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان را تهدید می‌کند و به نوعی با نظم و امنیت کشور در ارتباط است سرقت می‌باشد و از جمله جرایمی است که احساس ناامنی را در جامعه ترویج داده و سبب تزلزل امنیت اجتماعی و موجب بحران روحی و دل‌سردی عامه مردم نسبت به امنیت خود می‌شود. در این زمینه استان هرمزگان قابلیت‌های مناسبی برای این دسته از مجرمین داشته به طوری که می‌توان گفت استان بارانداز مناسب قاچاقچیان، خوابگاه مهاجرین است؛ شهر بندرعباس دارای محله‌های قدیمی و حاشیه‌ای است؛ محله‌هایی همچون دوهزار، سورو، خواجه‌عطا و غیره دارای این نوع بافت هستند. ورود مهاجران داخلی و خارجی از یکسو و مهاجرت ساکنان بافت مرکزی شهر به محلات دیگر از سوی دیگر، سبب شده است که محله‌های مرکزی این شهر در چند سال گذشته ناامن و مکانی مناسب برای زندگی تبهکاران حرفه‌ای شود.

از طرفی با گسترش و توسعه شهر، محله‌های حاشیه‌نشین نیز گسترش می‌یابند. همه این عوامل دست‌به‌دست هم داده‌اند تا محلات شهر بندرعباس پایدار خود را از دست بدهند و به محلات مسئله‌دار شهری تبدیل شوند. چنین شرایطی زمینه را برای جرایم مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از جمله سرقت مهیا کرده است. زیرا دو عامل مؤثر در جرم یعنی انسان و جغرافیای مناسب در استان وجود دارد. اما علی‌رغم فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه توسط کلانتری‌ها و اداره مبارزه با سرقت، آمارها حاکی از روند رو به تزاید این جرم است. هدف اصلی این پژوهش تعیین رابطه عوامل اجتماعی و جغرافیایی با جرم سرقت در شهر بندرعباس است. در این راستا پژوهش حاضر درصدد است تا این سؤال را که در ذهن محقق تداعی می‌کند پاسخ دهد، یعنی؛ عوامل اجتماعی و جغرافیایی چه رابطه‌ای با جرم سرقت در شهر بندرعباس دارد؟

بیان مسأله

سرقت از شایع‌ترین و پرسابقه‌ترین جرایم انسانی است که در جوامع مختلف به شیوه‌های گوناگون روی می‌دهد. بررسی و شناخت عوامل افزایش سرقت به عنف جاده‌ای، به منظور اصلاح روش‌ها و سیاست‌ها در جهت مهار این بزهکاری ضروری است. هزینه‌های جرم به ویژه هزینه‌های مجازات بار سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌کند با شناسایی و پیشگیری از عوامل جرم، می‌توان وقوع جرم را کاهش داد (راهدار و جوانمرد، 1394: 91). بررسی‌ها نشان می‌دهد مجرمان در انتخاب زمان و مکان بزهکاری کاملاً منطقی عمل می‌کنند و مناسب‌ترین و کم‌خطرترین مکان‌ها و شرایط را برای اعمال مجرمانه بر می‌گزینند. از طرف دیگر وجود برخی امکانات و تسهیلات شهری مانع و بازدارنده ارتکاب بزهکاری است و در نقطه مقابل در برخی مکان‌ها امکان بزهکاری آسان‌تر است. حال با شناسایی ویژگی‌های کالبدی مکان‌های مناسب بزهکاری و با تغییر این شرایط می‌توان از بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها در سطح شهر پیشگیری نمود و یا امکان ارتکاب آن را دشوار ساخت (غنی‌زاده و رستمی، 1391). شهر بندرعباس دارای محله‌های قدیمی و حاشیه‌ای است. وجود تفاوت‌های فرهنگی بین ساکنان و مهاجران در این شهر بسیار قابل ملاحظه می‌باشد. همچنین با توجه به ارزان قیمت بودن مناطق حاشیه شهر بندرعباس، باعث ایجاد کانون‌های جرم بخصوص سرقت گردیده است. افزایش مهاجرت‌ها به نواحی مرکزی شهر، افزایش فقر و بیکاری به نظر می‌رسد که باعث رشد و گسترش سرقت در شهر بندرعباس شده باشد. لذا این پژوهش به دنبال این مسأله است که رابطه بین گروه همسالان، آشفتگی خانواده، فقر و بیکاری، مهاجرت، موقعیت مکانی و تحصیلات چه رابطه‌ای با جرم سرقت در شهر بندرعباس دارد؟

مبانی نظری

نظریه شهرنشینی مکتب شیکاگو: از نظر مکتب شیکاگو، شهر در آن واحد هم یک نظام پیچیده از افراد و نهادهای به هم وابسته بود و هم یک نظم اجتماعی که در آن پدید آمدن خرده فرهنگ‌ها و بیگانه‌گرایی زمینه‌ای مساعد می‌یافت.

نظریات پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط: پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط به محیط‌هایی که جرم اتفاق می‌افتد متمرکز می‌گردد و روش‌های برای کاهش آسیب‌پذیری در این محیط‌ها ارائه می‌دهد. پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیط و تدابیر اجتماعی را می‌توان به‌عنوان قسمتی از راهکارهای جامع در جهت اجتناب از جرم بررسی کرد.

پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و تدابیر اجتماعی به‌منظور جلوگیری از جرم بر روی راهکارهایی برای حل‌وفصل مشکل تأکید می‌کند. به‌علاوه همکاری تنگاتنگی را جهت کاهش جرم و ترس از ارتکاب جرم میان پلیس و مردم برقرار می‌سازد و همچنین از این طریق به مکان معین تأکید دارد. پلیس، شهروندان و دولت در جلوگیری از ارتکاب جرم تحت همین راهکارهای ارائه‌شده نقش عمده‌ای را بازی می‌کنند و از طریق طراحی و مدیریت محیط فیزیکی ساختمان‌ها، اماکن مسکونی، محیط‌های تجاری، امنیت عمومی را افزایش و ترس از وقوع جرم را کاهش می‌دهد (مدنی‌پور، 120:1384).

نظریه طراحی در برابر جرم: تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط در جامعه علمی بریتانیا، نظریه‌های مشابهی مطرح گردید. به‌طوری‌که در خلال دهه 1980 پونیز در کتاب خود با عنوان «طراحی علیه جرم» اظهار داشت برای جلوگیری از وقوع جرایم شهری بایستی به مکان‌هایی با امکان دسترسی سریع مجرمین (و همچنین امکان خروج سریع) توجه کافی شود. چرا که این مکان‌ها عامل مهمی در وقوع جرایم هستند (لوکایتو، 1998: 6). این دیدگاه برخی

مشخصات کالبدی شهر را مؤثر از وقوع جرم دانسته و به طراحان شهر برای ساخت فضاهای مقاوم‌تر در برابر جرم توصیه‌هایی دارد.

نظریه انتخاب منطقی: این نظریه بر پایه فرصت‌های جرم استوار است و به وسیله کورنشین و کلارک در سال 1993 مطرح شد. در این دیدگاه فرض بر این است که مجرم در انتخاب هدف مجرمانه خود تصمیمی کاملاً منطقی و عاقلانه می‌گیرد و برای این کار کاملاً به نوع جرم، زمان، جاذبه‌ها و امکانات مکان برای انجام عمل مجرمانه می‌اندیشد، عدم حضور نگهبان، امکان دسترسی و فرار سریع از محل ارتکاب جرم وجود اهداف مجرمانه فرصت‌هایی است که احتمال جرم را افزایش می‌دهد لذا به شکل منطقی وجود فرصت‌های جرم بیشتر در یک مکان موجب افزایش جرم و کم شدن این فرصت‌ها میزان جرم را کاهش می‌دهد (لوکایتو، 1998: 6).

1) فرصت‌هایی که مربوط به افراد است (فرصت‌های متنوع برای فرد، ایجاد فرصت‌های ترجیحی از سوی مجنی علیه، فرصت‌های ناشی از الگوهای فعالیت روزمره)؛

2) فرصت‌هایی که مربوط به اشیاء موردنظر در جرم است (در اختیار بودن اموال، مسائل مربوط به امنیت فیزیکی، نظارت و سرپرستی).

بدون شک بسیاری از جرایم به صورت فرصت‌طلبانه رخ می‌دهد و به نظر می‌رسد، برای جلوگیری از آن‌ها مثلاً به جای دشوارسازی امر دستیابی به هدف، باید توجه بیشتری را به کاستن این‌گونه فرصت‌ها معطوف نمود. در بررسی‌های جغرافیای جرایم شهری به چهار عامل کلیدی (قانون، مجرم، قربانی جرم و مکان جرم) بسیار تأکید می‌شود. هر جرم به وسیله انسان در مقطع زمانی و مکانی خاص رخ می‌دهد و به دیگر سخن، تمامی ناهنجاری‌های اجتماعی به هر صورت که انجام می‌شود دارای ظرف زمانی و مکانی منحصربه‌فردی است که آن را از دیگر رفتارها متمایز می‌سازد. نکته حائز اهمیت آن است که تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیات رفتاری، در کنار عامل زمان باعث می‌شود تا جرم و جنایت در واحد مکان توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد. آنچه مسلم است برخی مکان‌ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. در نقطه

مقابل، برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند و همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل جرم خود به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند. بنابراین شناسایی شرایط مکانی به وجود آورنده و تسهیل‌کننده این فرصت‌ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های جغرافیای جرم و جنایت در شهرها محسوب می‌شود.

نظریه الگوی جرم: به موجب نظریه الگوی جرم؛ هر بزهکاری در اطراف گره‌های فعالیت روزمره خود (خانه، مدرسه و محل سرگرمی) و گذرگاه‌های بین این گره‌ها، به دنبال طعمه خود می‌گردد و برهمین اساس است که مردم بیشتر در گذرگاه‌هایی که در فعالیت روزمره خود طی می‌کنند، مورد بزه واقع می‌شوند. براین اساس، نظریه الگوی جرم در تبیین و تجزیه و تحلیل جرم به توزیع جغرافیای جرم و آهنگ فعالیت روزمره زندگی توجه خاصی را معطوف می‌کند. نظریه الگوی جرم در تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرم و حل معمای جرایم زنجیره‌ای اهمیت زیادی دارد. نکته بسیار مهم دیگر آن است که نظریه‌پردازان الگوی جرم و سایر جرم‌شناسان محیطی نشان داده‌اند که طراحی و مدیریت محله، شهر و مناطق تجاری می‌تواند تغییرات اساسی در نرخ جرایم ایجاد کند (محمدنسل، 1386: 298).

بیکاری و فقر در ارتکاب به جرم سرقت: بیکاری به عنوان عارضه‌ای که باعث عدم استفاده از نیروی کار می‌باشد، بیماری است مزمن و خوشایند هیچ نظام اقتصادی نمی‌باشد. عدم دسترسی یا دسترسی محدود به فرصت‌ها و منابع کسب درآمد و اشتغال که در جامعه به صورت بیکاری یا کم‌کاری عینیت می‌یابد از عوامل موجد فقر و نابرابری‌ها اقتصادی است، چرا که این عوامل باعث بروز جنایات، انحرافات، تنش‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی و خشونت می‌شود. بنابراین جرم به عنوان یک پدیده همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی دارای ابعاد و وجوه مختلفی است و عوامل متعددی می‌تواند در پیدایش آن نقش داشته باشد و به همین دلیل است که تغییر و تحول پدیده‌های اجتماعی معمولاً به کندی صورت می‌گیرد. بنابراین، محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در میزان ارتکاب جرم تأثیر مستقیم دارد، اما سهم هریک از این محیط‌ها بسته به نوع جوامع متفاوت است و نسخه‌ای همه‌گیر برای مقابله با چنین پدیده‌هایی وجود

ندارد (عباسی‌نژاد، رضانی و صادقی، 1391: 67). از نظر آسیب‌شناسی اجتماعی، بیکاری و فقر نیز می‌تواند عامل عمده‌ای در پیدایش ناهنجاری‌های رفتاری و روانی و در نتیجه بالا رفتن انواع کج‌روی‌های اجتماعی به‌خصوص اعتیاد به مواد مخدر و حتی خودکشی باشد (ستوده، 1374: 80). مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد در کشورهایی که توزیع ثروت به‌صورت عادلانه نباشد هر روز فقرا، فقیرتر و اغنیا ثروتمندتر می‌شوند فاصله طبقاتی فزونی می‌یابد و به علت عدم آموزش‌های اجتماعی و ضعف فرهنگی، فقدان احساس همبستگی ناشی از مادی‌گرایی و فردگرایی که از خصوصیات جامعه‌های در حال توسعه است افراد قادر به هدایت درست، علیه این بی‌عدالتی اجتماعی نیستند در نتیجه شاهد آنیم که ارزش‌های اجتماعی فاقد اعتبار می‌شود، نظارت اجتماعی سست می‌گردد و بزهکاری و تبه‌کاری عمومیت پیدا می‌کند (ستوده، 1374: 80).

بیکاری عامل مهم دیگری در ایجاد فقر است و فقر نیز یکی از عوامل اصلی سرفقت و جرم محسوب می‌گردد. از بین تمام عوامل، عامل «فقر» بیش از سایر عوامل در پیدایش و تشدید مسائل اجتماعی در شهرها مؤثر است. بیکاری از دو جهت در ازدیاد کیف‌قاپی نقش دارد، یکی، وجود فرصت‌های اضافی و خالی بودن اوقات فراقت؛ دیگری، نداشتن درآمد کافی برای گذراندن زندگی (ستوده، 1374: 160). پژوهش‌های جامعه‌شناختی در مورد عوامل اجتماعی کیف‌قاپی بیانگر آن است که بین کیف‌قاپی و افزایش بی‌رویه جمعیت، افزایش نرخ بیکاری، بالا رفتن مخارج زندگی و تغییرات سریع در الگوهای مصرف، رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد (احمدی، 1384: 190). فقر، نیاز و محرومیت مادی، در جوامعی که نظام تأمین اجتماعی و نهادهای حمایتی نتوانند فقر را کنترل نموده، نیازمندان را تحت پوشش و حمایت مادی قرار دهند، فقرا گروه‌های پرخطری خواهند شد که چاقوکشی را راه‌حلی برای فقرزدایی انتخاب می‌کنند (احمدی، 1384: 198). تحقیقات نشان می‌دهد؛ درصد بالایی از بیکاران در بین سارقین دستگیر شده می‌باشند. این شامل جوانان، زنان خانه‌دار و افراد مسن می‌باشند. (لامونتاژ) و دیگران در مطالعاتشان بر اساس مدارک دادگاه کشور کانادا از سال 1986 تا 1991 به این نتیجه رسیدند که 57/3 درصد سارقین، افراد بیکار بوده‌اند (هاتفی، 1384: 111). جوانان به اقتضای سن و نیازهای طبیعی و اجتماعی خود توقع دارند که این نیازهای آنان تأمین شود. به هر دلیل که یک جوان از حق داشتن کار، سرپناه و درآمد لازم برای

رفع نیازهای خود محروم بماند؛ خواه‌ناخواه به مسیرهای انحرافی کشیده می‌شود. تا معضل بیکاری حل نشود نمی‌توان انتظار داشت که میزان جرایم جوانان کاهش پیدا کند و هرگز قادر نخواهیم بود با افزایش مراکز نظارتی و نیروهای انتظامی با رشد روزافزون تخلفات که از بستر بیکاری برمی‌خیزد، مقابله کنیم (شامبیاتی، 239:1378).

رابطه تحصیل با جرایم و انحرافات اجتماعی: روان‌شناسان اجتماعی جرم و کج‌روی‌ها را سرپیچی از هنجارها، رسم‌ها، سنت‌ها و قوانین جامعه می‌دانند. رسم‌ها، سنت‌ها و قوانین هر جامعه به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای است که از نسل‌های قبل به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود، مورد احترام است، تجاوز به آن جرم محسوب می‌گردد. فقر فرهنگی، نقش اساسی در ایجاد جرم دارد. دزدان اکثراً بی‌سوادند و بی‌سوادان در اثر فقدان امکانات رشد فکری، برای پیشرفت و ترقی خود از شیوه‌های دیگر مثلاً توانمندی‌های جسمی بهره می‌گیرند. ساترلند در تبیین علل جرم به عوامل قومی، مهاجرت، ناسازگاری‌های برخی از گروه‌ها و عدم رشد خرده‌فرهنگ‌ها توجه دارد و تبهکاری را مسئله‌ای ناشی از تعارض فرهنگی می‌شناسند (سخت، 1368: 35).

آزمون تجربی نظریه کنترل اجتماعی نیز تأثیر متغیرهای مدرسه‌ای بر بزهکاران جوانان را تأیید کرده است. یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افت تحصیلی با بزهکاری جوانان همبستگی مثبت دارد اما فقدان دل‌بستگی جوانان بر معلمان و ناتوانی در نیل به اهداف تحصیلی و شغلی علل اولیه‌ای است که هم موجب شکست تحصیلی و هم ارتکاب به رفتار بزهکارانه می‌شود؛ امپی (1982)، تیگارت¹ (1992) در مطالعه تجربی خود روی دانش‌آموزان به این نتیجه رسیدند که در مدرسه‌ای که کنترل و نظارت و انضباط ضعیف است الگوهای بزهکارانه از جوانان سنین بالا به جوانان پایین‌تر منتقل می‌شود به‌علاوه احساس فشاری که در جوانان طبقات پایین جامعه در فرایندهای آموزشی و مدرسه‌ای ایجاد می‌شود گرایش به بزهکاری را در آنان افزایش می‌دهد (احمدی، 1384: 142 – 138).

1- Tygart

به اعتقاد گاتفریدسون و هریشی (1990) از صاحب‌نظران نظریه کنترل اجتماعی جوانانی که برخی از محیط‌های اجتماعی نظیر مدرسه، کارخانه را به علت اعمال انضباط و سرپرستی شدید دوست ندارند، به گذران اوقات فراغت در خیابان‌ها و هم‌جنس خود تمایل دارند (احمدی، 1384: 141-142). لذا؛ در صورتی که محیط و خاستگاه این افراد و معاشرینی که با آنان مواجه می‌شوند افراد منحرفی می‌باشند انتظار می‌رود که این گروه از جوانان با تأثیرپذیری از آنان مرتکب رفتار بزهکارانه از جمله سرقت شوند.

بررسی رابطه خانواده سارقین با ارتکاب به جرم سرقت

ویلیام گود با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی‌کننده ساختار خانواده سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش‌یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کج‌رو دخیل می‌داند به نظر وی؛ هنگامی که یک یا چند تن از اعضای یک خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند گسیختگی خانوادگی به وجود می‌آید و این ازهم‌گسیختگی باعث انحراف اعضای آن خانواده خواهد بود (محسنی تبریزی، 1383: 55-58؛ به نقل از گود، 1352: 249).

تعداد فرزندان در هر خانواده کار تربیت و رسیدگی به آن‌ها را مشکل می‌نماید در جامعه شهری، اقتصاد بر مبنای تصمیم‌های تعلیمات بوده و جوانان به‌عنوان عضو تولیدکننده باید در سطح کمی و کیفی مناسب و مطلوب تحصیل کنند، انبوهی جمعیت در شهرها و نبود امکانات تربیتی مناسب در سطح جامعه و خانواده موجب می‌شود که شرایط برای بزهکاری و ارتکاب جرم مهیا شود (احمدی، 1384: 182-183).

از عواملی که در دامن زدن به انحراف مؤثرند اختلافات خانوادگی از جمله نزاع و درگیری زن و شوهر در حضور فرزندان، تضادهای فکری عقیدتی، اعضای خانوادگی اختلاف در مبانی اخلاقی، لایقیدی‌های والدین نسبت به زندگی و فرزندان و سر سامان زندگی، کیفیت روابط زوجین، والدین و فرزندان بر اساس تضاد و مسائلی چون طلاق است. دورکیم خانواده را در حد یک مکتب برای فراگیری اصول اخلاقی می‌داند. خانواده الگویی است برای رفتار کودک و فراگیری وی در مرحله یادگیری (حسینی، 1381:

382-383). در آزمون نظریه کنترل اجتماعی دریافت که افزایش تقید جوانان به والدین و گذران بیشتر اوقات فراقت فرزندان با خانواده گرایش جوانان به بزهکاری را کاهش می‌دهد. «گسیختگی خانوادگی»¹ یکی از عوامل مهم در تولید رفتار بزهکارانه است. زیرا، هنگامی که فرزندان والدین خود را در اثر طلاق از دست می‌دهند، همچنین مراقبت، سرپرستی و کنترل و راهنمایی‌های آنان را نیز از دست خواهند داد گسیختگی خانوادگی فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان را با مشکل مواجه خواهد ساخت (احمدی، 1384: 132). تحقیقات انجام‌شده در ایران در دهه‌های اخیر بیانگر رابطه معنی‌دار بین گسیختگی خانوادگی و بزهکاری جوانان است. پژوهش انجام‌شده بر روی جوانان بزهکار اردوی کار شهر تهران نشان می‌دهد که متلاشی شدن خانواده‌ها، یا فاقد والدین بودن بر بزهکاری جوانان مؤثر است. از میان افراد مورد مطالعه تنها 32 درصد پدر و مادر و خانواده باثبات داشته‌اند، 7 درصد از جوانان بزهکار از والدین فوت‌شده 22 درصد فقط پدر یا مادر داشته و بقیه با ناپدری یا نامادری می‌زیسته‌اند (احمدی، 1384: 133). در اینجا به تعدادی از این نکات و انحرافات اشاره می‌شود؛ موقعیت منزل و قرار داشتن در مناطق در معرض آسیب، تعداد زیاد برادران و خواهران، اختلاف بین پدر و مادر، نحوه رفتار پدر و مادر با آن‌ها، لاقیدی پدر و مادر، نداشتن سرپرست مناسب و مسئول، وجود نامادری نامهربان و بدرفتار، وجود ناپدری، شغل پدر یا مادر، وضعیت اقتصادی خانواده و محدودیت‌هایی از این جهت، مواجه بودن با کمبودهای مختلف محبت مادر در زندگی، پایین بودن سطح فرهنگ اجتماعی خانواده، ایجاد عقده در کودکی به لحاظ کمبودهای عاطفی و روانی، بدرفتاری والدین با سرپرست خانواده و خصوصیات تند اخلاقی آن‌ها، کتک زدن زیاد پدر و مادر، عدم کنترل و مراقبت از سوی پدر یا مادر، فرار از منزل به دلایل مختلف، جدا شدن از خانواده در سنین نوجوانی یا جوانی، دور بودن از خانه، عدم مراقبت والدین از نظر غیبت از منزل، داشتن مسئولیت در رابطه با هزینه زندگی، جذب شدن به مظاهر فساد، وجود طلاق در خانواده پدری (قربان حسینی، 1381: 283).

بررسی رابطه گروه همسالان با ارتکاب جرم سرقت: گروه همسالان نقش مهمی در جامعه‌پذیری جوانان دارند. یکی از متداول‌ترین تبیین‌ها برای بزهکاری جوانان که

1- Family socio - economic status

نظریه پردازان، نظریه‌های خرده‌فرهنگی¹ نظیر؛ کوهن² (1955) و ماتزا³ (1964) بر آن تأکید کرده‌اند کاربرد مستقیم الگوهای بزهکاری است که در گروه همسالان به جوانان منتقل می‌شود. که ارضای نیازهای اساسی جوانان برای پذیرفته شدن، دوستی و احترام جوانان دیگر از طریق مشارکت با گروه‌های غیر بزهکار، رسمی و قراردادی دشوار باشد. در چنین شرایطی که فرد از طریق خانواده و مدرسه نیز حمایت نمی‌شود ارضای نیازها به شیوه‌های بزهکارانه با مشارکت افرادی که شبیه خود می‌باشند به‌آسانی قابل وصول است (احمدی، 1384: 139 - 140). مرتن (1957) بر این باور است که برخی از جوانان قشرهای محروم جامعه با تشکیل گروه‌های همسال به رفتار بزهکارانه مشغول می‌شوند زیرا بعضی از نیازهای آنان به‌ویژه نیازهای عاطفی، تنها در برون از خانواده و مدرسه می‌تواند ارضاء شود. جوانان قشرهای محروم نوعاً در طغیان علیه خانواده و مدرسه گروه‌های همسال بزهکار را شکل می‌دهند. معاشرت جوانان با افرادی که سابقه ارتکاب سرقت دارند نقش مؤثری در تمایل آنان به سرقت خواهد داشت بر مبنای یافته‌های پژوهشی درباره سرقت در ایران 42 درصد از سارقان تحت بررسی دوستان منحرف داشته و 75 درصد از آنان با چنین دوستانی رفت‌وآمد زیاد و طولانی داشتند (قربان حسینی، 1381: 284).

فرد بزهکار در طول حیات خود از طریق پیوستگی با دیگران انگیزه‌ها، گرایش و ارزش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد، به نسبت هم‌نشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند کج‌رو می‌شوند و عوامل چندی این تأثیرپذیری را تعیین می‌نمایند از جمله؛ تماس‌های زیادی با دوستان منحرف، برقراری تماس در سن نوجوانی و جوانی، تعداد زمان‌های تماس. ساترلند رفتار بزهکارانه را ناشی از تماس با اشخاص در اثر فرآیند یادگیری می‌داند که مخصوصاً از روابط شخصی در داخل یک گروه محدود نظیر: خانواده، مدرسه، کوچه و محله تعلیم گرفته می‌شود (کی‌نیا، 1380: 63).

بررسی رابطه (محله زندگی) محل وقوع جرم با سرقت: در سال 1979 اولین بار توسط «کوهن»⁴ و «نلسون»⁵ برای تبیین جرایم سرقت و غارتگری مطرح گردید. این

1- Subculture
2- KooHew
3- Matzu
4- Cohen
5- Nelson

رویگرد برای فردی استوار است که برای وقوع سرقت باید سه عنصر در زمان و مکان بر یکدیگر منطبق شود. بزهکار، هدف مجرمانه مناسب و نبود یک نگهبان برای مقابله با بزه، سه عنصر تأثیرگذار بر سرقت هستند. تاریکی از جمله عواملی است که می‌تواند به شدت از کنترل اجتماعی بکاهد، این امر باعث می‌شود تا احتمال وقوع برخی جرایم بیشتر شود. نتایج بررسی‌ها تأثیر روشنایی یا تاریکی را در وقوع جرایم نشان می‌دهد. سرقت در تاریکی بیشتر رخ می‌دهد و ارتباط معناداری با میزان روشنایی محل دارد. جرم سرقت بیشتر از آنکه متکی به تاریکی باشد به عامل خلوتی و دنج بودن محل نیازمند است. در یک تحقیق حدود 63/3 درصد از سارقان مکان سرقت خود را دارای ویژگی خلوت اعلام داشته‌اند. هر قدر تراکم در ناحیه یا منطقه‌ای از شهر بیشتر باشد احتمال وقوع جرم افزایش می‌یابد. تراکم جمعیت و صنعتی شدن به‌عنوان معضل جدید، آسیب‌های روحی ساکنان شهرهای بزرگ را دامن می‌زند (پرفیت، 1378: 116).

«رابرت پارک» از سردمداران مکتب شیکاگو در مطالعه حاشیه‌نشینی¹ و سپس شاگرد وی به نام «ایورت استونکوسیت» معتقدند، فرد ساکن مناطق حاشیه‌نشین خود را وابسته و متعلق به هر دو نظام فرهنگی قبل و حین شرایط زندگی می‌داند، به سبب باور نداشتن ارزش‌های جدید و احساس بیگانگی با موقعیت نورسیده، به هیچ‌یک از آن دو احساس تمایل و تعلق کامل نمی‌کند. در نتیجه توان جامعه‌پذیر شدن در نظام هنجاری نوین را از دست می‌دهد. این وضعیت نیز به معنای از دست رفتن ارتباط منطقی و فرهنگی او با محیط است و سبب می‌شود که وی، از جامعه کنار بگیرد و در حاشیه بماند و دست به جرایم مختلف بزند (وایت، 1383: 171).

بررسی رابطه مهاجرت با ارتکاب جرم سرقت: مهاجرت نیز یکی از عوامل مؤثر در ارتکاب بزهکاری جوانان است بسیاری مردم مجبورند برای به دست آوردن کار، محل تولد و سکنه‌ی اولیه خود را ترک و به محل دیگری مهاجرت نمایند. از مطالعاتی که تا به حال به عمل آمده است معلوم گردیده که جرایم در نقاط توسعه‌یافته و پیشرفته و در آنجایی که کار بیشتر است، تعداد جرایم بیشتر از مناطق روستایی و شهرهای توسعه‌نیافته است چراکه یکسان بودن جمعیت در روستاها، کم‌جنب‌وجوش بودن اهالی، جمعیت کم جهت اختفاء جرایم و غیره از جمله عواملی است که در کاهش

ارتکاب جرایم در روستاها امر قطعی دارد. حال اگر همین روستانشینان ترک وطن کرده و به شهرهای صنعتی و بزرگ جهت پیدا کردن کار مهاجرت و اقامت گزینند در این صورت به سستی می‌توانند خود را با محیط جدید انطباق دهند، چراکه آنان با عادات و آداب و رسوم و اصول اخلاقی محیط خاص خود پرورش یافته و خود را با آن محیط تطبیق داده و با ترک خاستگاه خود و ورود به محیط دیگر که اصول و آداب خاص در آن حکم فرماست به آسانی قادر به خو گرفتن و انطباق با محیط جدید نبوده و همین عدم انطباق ممکن است وضعی به وجود آورد که اصطلاحاً بدان تضاد فرهنگی می‌گویند و این تضاد فرهنگی ممکن است گرایش افراد به بزهکاری شود (شامبیاتی، 242:1378).

پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع عوامل اجتماعی و جغرافیایی مرتبط با جرم سرقت تحقیقات زیادی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که ذیلاً به برخی از تحقیقاتی که مرتبط تر با موضوع تحقیق هستند اشاره می‌شود.

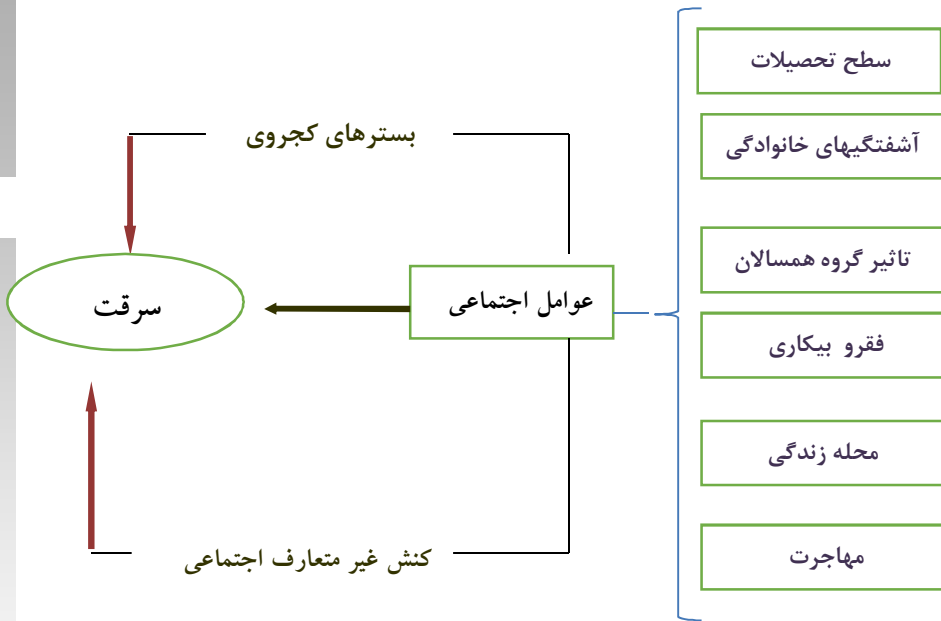
جدول 1- پیشینه پژوهش

محققین	موضوع	نتایج
مداح (1390)	تحلیل اثر فقر و نابرابری درآمدی بر جرم (سرقت) در سطح استان‌های کشور	رابطه قوی و معناداری میان نابرابری درآمدی و فقر با جرم سرقت وسایل نقلیه و سرقت کل. اثر مثبت و معنادار نسبت جمعیت جوان بر نرخ جرم در دو مدل و تراکم جمعیت بر نرخ جرم در مدل جرم سرقت وسایل نقلیه.
طیبی (1392)	تأثیر الگوهای رفتاری مجرمانه در سرقت ساده نوجوانان	بیشترین نقش داده الگوهای رفتاری مجرمانه خانواده، در وقوع سرقت ساده نوجوانان. تأثیر الگوهای رفتاری مجرمانه محله، گروه همسالان، رسانه و مدرسه بیشترین را در سرقت نوجوانان.
لطفی و فیض پور (1393)	رشد صنعتی و جرم (شواهدی از استان‌های کشور طی برنامه‌های سوم و چهارم توسعه)	رابطه مثبت و معنی‌دار رشد صنعتی بر جرم.
نصیری، گلمهر و رحمانی (1393)	تحلیل فضایی جرم و مکان‌های جرم‌خیز؛ مطالعه موردی: بزه سرقت در شهر قزوین	در زمینه جرایم امنیتی؛ کلاتری 17 با بیشترین و به ترتیب کلاتری‌های 13 و 11 و 12 و 14، در زمینه جرایم اقتصادی؛ کلاتری 11 با بیشترین و به ترتیب 17، 12، 13 و 14 دارای بیشترین جرایم، در زمینه جرایم اجتماعی؛ بیشترین مورد در کلاتری 11 و کلاتری‌های 12، 17، 13 و 14 در مرتبه‌های بعدی قرار دارند.
ابریشمی و رضائی (1394)	بررسی اثر تجربی تورم بر جرایم در ایران	اثر معنادار و مثبتی تورم همواره در بلندمدت و کوتاه‌مدت بر انواع جرایم دارد.

محققین	موضوع	نتایج
بنی اسد و همکاران (1394)	علل افزایش سرقت به عنف (مطالعه موردی شهر بندرعباس)	تأثیرگذاری زیاد «ضعف در باورها و اعتقادات دینی»، «فقر و بیکاری»، «ناکامی و محرومیت»، «ضعف انضباط اجتماعی»، «نقش گروه همسالان»، «نقش رسانه»، «نقصان و ناکارآمدی جریان جامعه‌پذیری»، «شرایط محیطی و جغرافیایی»، «ضعف اعتماد میزان برسرتت به عنف».
تمنا و دعاگوین (1394)	موانع مشارکت مردمی در راستای مأموریت نیروی انتظامی در پیشگیری سرقت از منازل	فقدان روش‌های کارآمد و فراگیر، برای آموزش صحیح مشارکت در پیشگیری از سرقت و افزایش کم و کیف آگاهی مردم و درعین حال عدم توجه به نهادینه‌سازی این آگاهی‌ها در بستر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به عنوان موانع اصلی بسط و توسعه مشارکت مردمی در پیشگیری از سرقت.
مختاری و صفی‌نژاد (1394)	بررسی رابطه مواجهه با نیروهای امنیتی و حمایت اجتماعی با ارتکاب سرقت در بین جوانان شهر یاسوج	رابطه معنی‌داری بین احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی، حمایت اجتماعی و ارتکاب سرقت. احتمال مواجهه با نیروهای امنیتی برای افراد، احتمال کاهش ارتکاب به سرقت آن‌ها و برعکس؛ حمایت‌های اجتماعی سبب کاهش احتمال ارتکاب سرقت.
فیروزی، آقایی جنت‌مکان (1394)	تحلیل جرم‌شناختی سرقت‌های مسلحانه	علل شخصی، علل اجتماعی و وضعی در سوق دادن افراد به سوی ارتکاب سرقت مسلحانه و علل وضعی در پیشگیری از ارتکاب سرقت مسلحانه.
اکبری و همکاران (1395)	تحلیل فضایی-جامعه‌شناختی جرم سرقت از منزل در شهر کرمانشاه	توزیع سرقت، از الگوی متمرکز تبعیت می‌کند عدم معنادار همبستگی بین نابرابری و سرقت از منزل. تفاوت شکل‌گیری جرم در فضاهای مختلف شهری

مدل مفهومی پژوهش

برای متمایز کردن عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر سرقت در سطوح مختلف تحلیل، با استفاده از نظریه‌های مطرح‌شده رابطه مورد نظر به اختصار تبیین و مورد بررسی قرار گرفته شد، و مدل تحلیلی زیر ارائه شد:



شکل 1- مدل مفهومی تبیین رابطه عوامل اجتماعی بر سرقت

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر به صورت پیمایش از نوع همبستگی است. از روش کتابخانه‌ای که با استفاده از کتاب‌های علمی و تخصصی و از روش اسنادی و بازخوانی پرونده‌های وقوع سرقت‌های شایع در سال 94 در شهرستان بندرعباس و آرشيو مطالب علمی مرتبط با تحقیق انجام شده است. جامعه آماری در این تحقیق کلیه پرونده‌های وقوع سرقت سال 94 در شهر بندرعباس به تعداد 1414 فقره پرونده می‌باشد. برای انجام نمونه‌گیری در پژوهش حاضر از روش چندمرحله‌ای که ترکیبی از روش‌های تصادفی سیستماتیک (منظم)¹ از بین جامعه آماری، مورداستفاده قرار گرفت. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان از بین پرونده‌های سرقت محاسبه گردید که تعداد 351 پرونده‌های سرقت مورد برآورد و محاسبه گردید. پایایی سؤالات پرسشنامه این پژوهش بر اساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین شده است که دامنه آن بین 0 تا 1 می‌باشد بر این مبنا به پایداری درونی

1- Systematic Random Sampling

گویه‌ها پی برده می‌شود. آلفای کرونباخ سؤالات پرسشنامه در جدول شماره 2 آمده است.

جدول 2- اعتبار شاخص‌های پژوهش

مقدار آلفا	تعداد گویه‌ها	شاخص
0/85	33	سطح تحصیلات
0/87	21	آشناگی‌های خانوادگی
0/91	8	تأثیر گروه همسالان
0/86	11	فقر و بیکاری
0/80	16	محله زندگی
0/84	15	مهاجرت

یافته‌های پژوهش

جدول شماره 3 نشان می‌دهد، در مقایسه بین مقادیر برحسب نوع سرقت و اهلیت پاسخگویان در مجموع بیشترین درصد فراوانی مربوط به سارقین کیف‌قاپ با (18 درصد) که در این میان (3/12 درصد) افراد بومی و (7/5 درصد) افراد غیربومی می‌باشد. کمترین درصد فراوانی مربوط به سارقین اماکن خصوصی با (1/7 درصد) که در این میان (2 درصد) افراد بومی و (1/3 درصد) افراد غیر بومی می‌باشد و نتایج حاکی این مسئله می‌باشد که اکثر سارقین لوازم داخل خودرو و منزل بیشتر غیربومی می‌باشند.

جدول 3- درصد فراوانی نسبی افراد مورد بررسی برحسب نوع سرقت و اهلیت

جمع فراوان	اهلیت		نوع سرقت	نوع گروه
	غیربومی	بومی		
52	33	19	فراوانی	سرقت داخل خودرو
14/8	9/4	5/4	درصد	
59	39	20	فراوانی	سرقت منزل
16/8	11/1	5/7	درصد	
60	20	40	فراوانی	سرقت به عنف
17/1	5/7	11/4	درصد	
63	20	43	فراوانی	کیف‌قاپی
18	5/7	12/3	درصد	
25	11	14	فراوانی	سرقت اماکن خصوصی
7/1	3/1	4	درصد	

جمع فراوان	اهلیت		نوع گروه	
	غیربومی	بومی	فراوانی	نوع سرقت
32	5	27	فراوانی	سرقت موتورسیکلت
9/1	1/4	7/7	درصد	
60	15	45	فراوانی	سایر سرقت‌ها
17/1	4/3	12/8	درصد	
351	143	208	فراوانی	جمع کل
100	40/7	59/3	درصد	

همانطور که در جدول شماره 4 مشاهده می‌شود، 74 درصد از سارقین فاقد شغل بودند. ضمن آنکه 11/3 درصد از آنان کارگر 8 درصد را محصلین، 3 درصد را دانشجویان و 3/7 درصد دیگر را مشاغل آزاد تشکیل داده‌اند.

جدول 4- بررسی وضعیت شغلی سارقین

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	اشتغال
74	74	260	بیکار
85/3	11/3	40	کارگر
89	3/7	13	شغل آزاد
97	8	28	محصل
100	3	10	دانشجو
	100	351	جمع کل

در جدول شماره 5 همان‌طور که ملاحظه می‌شود، 43 درصد از سارقین در محل‌هایی زندگی می‌کنند که زیاد آلوده و جرم‌خیز است. این در حالی است که 17 درصد از آن‌ها محل زندگی‌شان در حد خیلی زیاد جرم‌خیز بوده و 14 درصد در اماکنی زندگی می‌کردند که کمتر آلوده بوده است.

جدول 5- بررسی محله زندگی سارقین

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	محله زندگی
5/5	5/5	20	خیلی کم
14	8/5	30	کم
40	26	90	تا حدودی
83	43	151	زیاد
100	17	60	خیلی زیاد
	100	351	جمع کل

جدول 6 بیانگر رابطه بین میزان تحصیلات جرم سرقت می‌باشد. جهت بررسی رابطه از آزمون جدول 6 (آنوا) استفاده گردیده است. سطح معناداری که کمتر از 0/005 است، (gis=0/004) آزمون آنوا نشان‌دهنده آن است که بین سطح تحصیلات افراد و ارتکاب جرم سرقت تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که بین تحصیلات و جرم سرقت رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. این مسئله بدین معنی است که با کاهش تحصیلات میزان جرم افزایش می‌یابد.

جدول 6- فرضیه اول آزمون تحلیل واریانس (آنوا) رابطه بین تحصیلات و گرایش افراد به جرم سرقت

سطح معنی‌داری	F	مجدور میانگین	مجموع مجدورات	تحلیل واریانس ارتباط بین دو متغیر
0/004	4/71	1/730	5/191	واریانس بین گروهی
		0/387	147/446	واریانس درون گروهی
			152/637	جمع

نتایج مندرج در جدول 7 نشان می‌دهد با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون همبستگی بین شرایط از هم گسیختگی خانوادگی و گرایش افراد به کیف‌قاپی برابر (0/000)، از خطای 5 درصد کمتر است. لذا؛ فرض متقابل تأیید می‌گردد. نتایج حاکی از این است که بین خانواده و افراد گرایش به جرم سرقت به مراتب بیشتر از افراد (غیر سارق) می‌باشد و یکی از فاکتورهای تأثیرگذار در سرقت کشیده شدن افراد مجرم به سمت انحراف است.

جدول 7- فرضیه دوم آزمون اسپیرمن رابطه بین خانواده و گرایش افراد به جرم سرقت

متغیر	N	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
خانواده	351	0/289 **	0/000
** = سطح اطمینان 0/01			
* = سطح اطمینان 0/05			

نتایج مندرج در جدول 8 نشان می‌دهد با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون همبستگی بین نقش گروه همسالان و گرایش افراد به جرم سرقت برابر (0/01) از خطای 5 درصد کمتر است. لذا؛ فرض متقابل تأیید می‌شود. یعنی بین نقش گروه همسالان و گرایش افراد به جرم سرقت رابطه وجود دارد. یعنی افراد سارق تحت تأثیر گروه دوستان اقدام به سرقت نموده‌اند.

جدول 8- فرضیه سوم آزمون همبستگی اسپیرمن بررسی رابطه بین نقش گروه همسالان و گرایش افراد به جرم سرقت

گرایش افراد به جرم سرقت			متغیر
سطح معنی داری	ضریب همبستگی	N	
0/01	0/255	351	نقش گروه همسالان
			** = سطح اطمینان 0/01
			* = سطح اطمینان

با توجه به جدول 9، ضریب همبستگی محاسبه شده بین فقر و جرم سرقت برابر است 0/333 است و این رابطه در سطح 0/01 معنی دار است. بنابراین بین زندگی افراد در شرایط اقتصادی بد و جرم سرقت رابطه وجود دارد لذا می توان گفت که یک همبستگی مثبتی بین افراد فقیر و جرم سرقت وجود دارد.

جدول 9- فرضیه چهارم آزمون همبستگی پیرسون بین فقر و گرایش افراد به جرم سرقت

گرایش افراد به جرم سرقت			متغیر
سطح معنی داری	ضریب همبستگی	N	
0/000	0/333 **	351	فقر
			** = سطح اطمینان 0/01
			* = سطح اطمینان 0/05

جدول دویعدی 10 جهت بررسی رابطه بین بیکاری سارقین و ارتکاب جرم سرقت می باشد که برای بررسی آن از آزمون خی دو و اسپیرمن استفاده گردیده است. سطح معناداری آزمون کمتر از 0/05 و مقدار خی دو حاصل از آزمون 94/165 می باشد که بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر فوق می باشد.

جدول 10- فرضیه پنجم آزمون همبستگی پیرسون بین بیکاری سارق و جرم سرقت

جرم سرقت		مبتدی		نیمه حرفه ای		حرفه ای		جمع
اشتغال	فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد
بیکار	45	49/4	70	69/3	100	63	215	100
کارگر	25	27/4	15	15	40	25/2	80	100
شغل آزاد	11	24/4	6	5/9	6	3/7	23	100
محصل	5	5/4	6	5/9	8	5	19	100
دانشجو	5	5/4	4	3/9	5	3/1	14	100
جمع	91	100	101	100	159	100	351	100
		df = 8		Sig = 0/000		X ² = 94/165		
				Sig = 0/001		Spearman's rho = 61/225		

جدول 10 بیانگر رابطه بین محل سکونت سارقین و جرم سرقت می‌باشد. جهت بررسی رابطه از آزمون خی‌دو و اسپیرمن استفاده گردیده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود خاستگاه اکثریت سارقین، مناطق حاشیه و فقیرنشین می‌باشد. نتیجه حاصل از آزمون با نظر به سطح معناداری که کمتر از 0/05 است، و مقدار خی دو حاصل از آزمون 135/15 می‌باشد. بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر فوق می‌باشد. بنابراین فرضیه محقق گردیده و لذا هر چه خاستگاه سارق، آلوده‌تر و جرم‌خیزتر باشد، احتمال انجام سرقت توسط وی بیشتر است.

جدول 11- فرضیه ششم بررسی رابطه بین محله زندگی سارقین و گرایش افراد به جرم سرقت

جرم سرقت		مبتدی		نیمه حرفه‌ای		حرفه‌ای		جمع
محل محله زندگی	فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد	فروانی	درصد
حاشیه شهر	18	23	30	30/3	35	20/2	83	100
مرکز شهر	6	7/6	10	10/1	30	17/2	46	100
محلات فقیرنشین	30	38/4	35	20/3	66	38	131	100
محلات معمولی	21	27	20	20/3	37	21/2	78	100
محلات اعیان‌نشین	3	4	4	4	6	3/4	13	100
جمع	78	100	99	100	174	351	100	
	df = 8	Sig = 0/003	$X^2 = 131/15$					
	Sig = 0/002	Spearman's rho = 89/432						

نتایج مندرج در جدول 12 نشان می‌دهد با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون همبستگی بین شرایط مهاجرت سارقین و گرایش افراد به جرم سرقت برابر (0/000) و از خطای 0/05 کمتر است. لذا؛ فرض فوق تأیید می‌گردد. یعنی بین مهاجرت سارقین و گرایش افراد به جرم سرقت رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه این استان از شهرستان‌های با تنوع قومیت‌های مختلف تشکیل شده است؛ شاهد این مسئله هستیم که سرقت‌های خاص را افراد غیربومی مهاجر انجام می‌دهند و این نشان می‌دهد که هرچه تعداد مهاجرت‌ها بیشتر، ارتکاب به جرم سرقت سیر صعودی را طی خواهد کرد.

جدول 13- فرضیه نهم آزمون همبستگی اسپیرمن بین مهاجرت و گرایش افراد به جرم سرقت

گرایش افراد به جرم سرقت			متغیر
سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	N	مهاجرت
0/000	0/545 **	351	
			** = سطح اطمینان 0/01
			* = سطح اطمینان 0/05

آمارهای چند متغیری (تحلیل رگرسیونی)

در این بخش از رگرسیون چندگانه خطی با فن گام به گام¹ جهت برازشی مدل استفاده گردیده است. که نتایج در قالب جدول شماره 14 ارائه شده است.

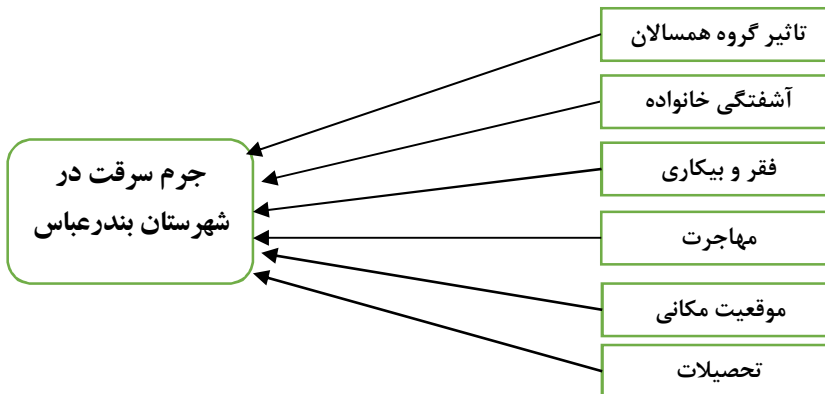
جدول 14- رگرسیون چندگانه شاخص‌های متغیر مستقل بر متغیر وابسته جرم سرقت

مدل‌ها متغیرهای مستقل	مدل 1	مدل 2	مدل 3	مدل 4	مدل 5	مدل 6
فقر بیکاری	0/47*** (5/066)	0/74*** (13/609)	0/30** (6/399)	0/24*** (5/419)	0/19*** (4/936)	0/20*** (5/14)
تأثیر گروه همسالان	-	0/33*** (6/120)	0/63*** (12/544)	0/53*** (10/381)	0/44*** (11/755)	0/45*** (12/032)
مهاجرت	-	-	0/27*** (5/399)	0/24*** (5/133)	0/17*** (4/965)	0/16*** (4/986)
محل زندگی	-	-	-	0/15*** (5/264)	-	-
خانواده	-	-	-	-	0/40*** (9/358)	0/31*** (5/841)
تحصیلات	-	-	-	-	-	0/13*** (2/532)
ضریب تعیین R ²	0/226	0/753	0/815	0/848	0/909	0/915
ضریب تعدیل شده R ² adj	0/217	0/747	0/809	0/841	0/905	0/910
فراوانی (N)	351	351	351	351	351	351

❖ اعداد داخل پرانتز نسبت T می‌باشد (اعداد بزرگ‌تر از 2 نشانه معنادار بودن است)

همان‌طور که در جدول 14 مشاهده می‌شود؛ متغیرهای مستقل «تأثیر گروه همسالان»، «خانواده»، «فقر و بیکاری»، «مهاجرت»، «محل زندگی» و «تحصیلات» به‌صورت مرحله‌ای و جداگانه بر متغیر وابسته جرم سرقت ارائه شد. در نتیجه؛ مدل 6 بر اساس بیشترین مقدار beta به‌عنوان مدل پژوهش انتخاب شده است برای پرهیز از طولانی شدن توصیف مقادیر به دست آمده برای فرآیند هر مدل از توصیف تمام مدل‌ها به‌صورت تک‌به‌تک خودداری شد در نتیجه؛ یافته‌های جدول نشان می‌دهد که در

مدل‌های شماره 1 تا 6، معرف‌های تأثیرگذار بر جرم سرقت هر کدام به صورت جداگانه وارد مدل رگرسیونی شده‌اند. در بین آن‌ها مدل 6 با شاخص‌های «تأثیر گروه همسالان»، «خانواده»، «فقر و بیکاری»، «مهاجرت» « محله زندگی» و «تحصیلات» به ترتیب تأثیرگذاری با مقدار beta (./45)، beta (./31)، beta (./20)، beta (./16)، beta (./15)، beta (./13) در سطح عالی با (احتمال صحت 99/9 درصد) بیشترین میزان جرم سرقت را تبیین نمودند. بنابراین؛ با توجه یافته‌های رگرسیون چندگانه جدول 14 می‌توان تحلیل مسیر را در نمودار 2 مدل تحلیل مسیر رگرسیونی اثبات کرد:



نمودار 2 - مدل تحلیل مسیر رگرسیونی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته جرم سرقت

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که در فرضیه اول بین تحصیلات و ارتکاب جرم سرقت رابطه معناداری وجود دارد لذا افراد با تحصیلات پایین‌تر، بیشتر اقدام به سرقت نمودند. روانشناسان و علمای تعلیم و تربیت عنوان داشته‌اند که فقر فرهنگی، نقش اساسی در ایجاد جرم دارد. غالب مجرمان بی‌سواد بوده و بی‌سوادان در اثر فقدان امکانات رشد فکری، برای پیشرفت و ترقی خود از شیوه‌های دیگر مثل، توانمندی‌های جسمی بهره می‌گیرند. این فرضیه با تحقیقات کلاته و همکاران (1382) همسو می‌باشد لذا فرض فوق تأیید می‌گردد. در فرضیه دوم یافته‌ها نشان داد که بین آشناگی خانوادگی و ارتکاب جرم سرقت رابطه معناداری وجود دارد. خانواده از نظر رفتاری در شکل‌گیری شخصیت و ساختار اخلاق انسان نقش اول را ایفاء می‌کند و بیش از محیط‌های دیگر بر اعضای جامعه اثر

می‌گذارد. نتایج این یافته با نتایج (قربان حسینی، 1381)، (احمدی، 1384: 132) همسو می‌باشد. در مورد فرضیه سوم نیز یافته‌ها نشان داد که بین گروه همسالان و ارتکاب جرم سرقت رابطه معناداری وجود دارد. یعنی افراد سارق تحت تأثیر گروه دوستان اقدام به سرقت نموده‌اند. رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. بر مبنای یافته‌های به‌دست‌آمده، درباره ارتکاب به جرم سرقت بیشتر سارقان تحت بررسی، دوستان منحرف داشته و یا با چنین دوستانی رفت و آمد زیاد و طولانی داشتند. بنابراین؛ افراد آسیب‌دیده و یا در معرض آن دوستان خوبی ندارند. لذا؛ فرض فوق تأیید می‌گردد نتایج این یافته با نتایج (قربان حسینی، 1381) و (کی‌نیا، 1380) همسو می‌باشد.

در مورد فرضیه چهار، یافته نشان داد بین فقر سارقین و ارتکاب جرم سرقت رابطه معناداری وجود دارد. لذا یافته‌های این فرضیه با دیدگاه‌های (ستوده، 1374)؛ (احمدی، 1384)؛ (هاتفی، 1384) و (شامبیات، 1378) همسو می‌باشد. در خصوص فرضیه پنجم یافته‌ها نشان داد که بین بیکاری و ارتکاب جرم سرقت رابطه معناداری وجود دارد. وجود فرصت‌های اضافی و خالی بودن اوقات فراقت، نداشتن درآمد کافی برای گذراندن زندگی، افزایش بی‌رویه جمعیت، افزایش نرخ بیکاری، بالا رفتن مخارج زندگی و تغییرات سریع در الگوهای مصرف از مواردی هستند که یک رابطه معنادار با جرم سرقت ایجاد می‌کند. این یافته‌ها با نظریات چون (ستوده، 1374)؛ (احمدی، 1384)؛ (هاتفی، 1384) و (شامبیاتی، 1378) هم‌راستا می‌باشد. در مورد فرضیه ششم، یافته‌ها نشان داد که بین محل زندگی و ارتکاب جرم سرقت رابطه معناداری وجود دارد.

هر چه خاستگاه سارق، آلوده‌تر و جرم‌خیزتر باشد، احتمال انجام سرقت توسط وی بیشتر است. یعنی بین شرایط محیطی و جغرافیایی و گرایش افراد به کیف‌قاپی رابطه وجود دارد. یعنی هرچه شرایط محیطی و جغرافیایی افراد بهتر باشد گرایش به جرم سرقت کمتر می‌شود. این یافته از فرضیه با نظریات (حبیبی، 1380)، (تیلور و رالف، 1998) و (ابرنادادی - هاشم بیگی، 1377) همسو و هم‌راستا می‌باشد. در مورد فرضیه هفتم، یافته‌ها نشان داد بین مهاجرت و ارتکاب جرم سرقت رابطه معناداری وجود دارد.

- ابریشمی، حمید و رضائی، زکیه (1394). بررسی اثر تجربی تورم بر جرایم در ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد. 22(83)، صص 41-74.
- احمدی، حبیب (1384). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- اکبری، امین؛ ملکی، امیر؛ زاهدی، محمدجواد و رستمی، شاه بختی (1395). تحلیل فضایی-جامعه‌شناختی جرم سرقت از منزل در شهر کرمانشاه. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، (2)، صص 259-318.
- بنی اسد زیبا؛ براتی مسلح، محمد سعید و عمرانی‌نژاد، فاطمه (1394). بررسی علل افزایش سرقت به عنف (مطالعه موردی شهر بندرعباس). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. 2(41)، صص 47-82.
- تمنا، سعید و دعاگویان، داوود (1394). موانع مشارکت مردمی در راستای مأموریت نیروی انتظامی در پیشگیری سرقت از منازل. فصلنامه انتظام اجتماعی. 7(3)، صص 61-88.
- رضایی‌راد، مجید؛ هندیانی، عبدالله و ذاکراستقامتی، محمدرضا (1388). عوامل سرقت منزل در فرماندهی انتظامی تهران بزرگ. فصلنامه مدیریت انتظامی. 3(3)، صص 94-114.
- ستوده، هدایت الله (1374). مقدمه‌ای بر آسیب اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور، ج سوم.
- سخاوت، جعفر (1386). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شامبیاتی، هوشنگ (1378). بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: انتشارات ژوبین.
- عباسی‌نژاد، حسین؛ رمضای، هادی و صادقی، مینا (1391). بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، 20(64)، صص 86-65.
- فیروزی، مصطفی و جنت‌مکان، حسین آقایی (1394). تحلیل جرم‌شناختی سرقت‌های مسلحانه. فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت. 8(1)، صص 3-9.
- قربان حسینی، علی اصغر (1381). جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کلاته جاری، مهرداد؛ خسروی، احمد؛ عودی، داوود؛ علی‌آبادی، فاطمه و فرهادی، زهرا (1384). مقایسه ویژگی‌های اجتماعی، شخصیتی و خانوادگی نوجوانان بزهکار پسر استان مازندران با گروه شاهد. فصلنامه علمی-پژوهشی مراقبت‌های نوین، 12(2 و 1)، صص 5-9.
- کی‌نیا، مهدی (1380). روانشناسی جنایی. تهران: انتشارات رشد.
- لطفی، عزت‌اله و فیض‌پور، محمدعلی (1393). رشد صنعتی و جرم (شواهدی از استان‌های کشور طی برنامه های سوم و چهارم توسعه). فصلنامه مجلس و راهبرد. 21(80)، صص 39-60.

- محمدنسل، غلامرضا (1386). اصول و مبانی نظریه فرصت جرم. فصلنامه حقوق، 37(3). صص 322-293.
- مختاری، مریم و صفی‌نژاد، بتول (1394). بررسی رابطه مواجهه با نیروهای امنیتی و حمایت اجتماعی با ارتکاب سرقت در بین جوانان شهر یاسوج. فصلنامه انتظام اجتماعی. 27(2)، صص 57-82.
- مداح، مجید (1390). تحلیل اثر فقر و نابرابری درآمدی بر جرم (سرقت) در سطح استان‌های کشور. پژوهش‌نامه اقتصادی. 3(42)، صص 323-303.
- مدنی‌پور، علی (1384). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایند اجتماعی و مکانی. ترجمه فرهاد مرتضایی. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مشکاتی، زهراسادات (1381). آزمون تجربی نظریه التقاطی در بزهکاری کودکان و نوجوانان تهران بزرگ. مجله دانشکده پزشکی. 56(3)، صص 78-85.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (1377). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.
- نصیری، اسماعیل؛ گلمهر، احسان و رحمانی، محمدحسن (1393). تحلیل فضایی جرم و مکان‌های جرم خیز؛ مطالعه موردی: بزه سرقت در شهر قزوین. فصلنامه جغرافیا. 12 (43)، صص 157-176.
- وایت، راب و هینز، فیونا (1383). جرم و جرم‌شناسی. ترجمه علی سلیمی، قم: انتشارات موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- هاتفی اردکانی، حسین (1384). پی‌جویی سرقت. تهران: موسسه انتشاراتی جهان جام جم.
- Taylor & Ralph (1998) Crime and place. National institute of justice (N I J) from the world wide web: Http: // w w w. (N I J) . Com
- Loukaitou-Sideris, A. (1998). Hot spots of bus stop crime: The importance of environmental attributes (UCTC 384). Berkeley: University of California.

